



اولیاد و متبیین

فلسفه پذیرایی

مدرسه، هم مهر و محبت پدر و مادر خود را می-
 طلبند و هم خواهان توجه و محبت معلم هستند.
 انسان به هر درجه و مرتبه ای از رشد و کمال
 که برسد، باز نیازمند توجه و محبت دیگری
 است؛ تا بدانجا که جز محبت خداوندی هیچ
 چیز دیگری نیازش را تأمین نمی کند. سخن
 مولا علی علیه السلام با پروردگارش، مؤید این
 حقیقت است:

إلهی کفّی بی فخرأ أن أكون لك عبداً وكفّی بی
 عزاً أن تكون لی رباً، أنت کما أحب، فأجعلنی کما
 تُحب.

پروردگارا، این افتخار برای من کافی است

دکتر غلامعلی افروز

تشویق

تشویق و ترغیب مؤثرترین عامل برای
 اصلاح و تقویت رفتار و یادگیری پایدار
 است. انسان اسیر محبت است. همه انسانها، از
 کوچک و بزرگ نیازمند محبت و تشویقند و همه
 دوست دارند رفتارشان مورد توجه و تأیید
 دیگران قرار گیرد. بچه ها نیز تشنه محبت
 و تشویق والدین خود هستند. دانش آموزان

رفتار آنان هستیم؛ درحالی که وقتی کودکی را تنبیه می‌کنیم، نه تنها به هیچ یک از نیازهای فطری و اساسی او پاسخ نمی‌دهیم، بلکه تعادل حیاتی‌اش را برهم زده، او را با تجربه ناخوشایندی که همواره از آن گریز دارد مواجه می‌کنیم؛ ولو اینکه بطور موقت رفتار نا مطلوب او را کنترل کرده باشیم.

وقتی که معلم به بچه‌ها محبت می‌کند، آن‌گاه که مربی به تلاش بچه‌ها بها می‌دهد، زمانی که معلم پیشرفت هردانش آموز را با خودش مقایسه می‌کند، هنگامی که درکلاس درس، هرشاگرد رقیب دیروز خویش است، و سرانجام وقتی که معلم همواره با چهره‌ای گشاده و مهربان، از تشویق بیشترین بهره را

که بنده تو باشم و همین عزت برای من بس که تو پروردگار من هستی. بارالها، تو آن گونه‌ای که من دوست دارم؛ مرانیز چنان کن که خود دوست می‌داری.

رشد مطلوب شخصیت بچه‌ها درگرو مهر و محبت و تشویق بجای والدین و مربیان است. وقتی رفتارهای مطلوب و موفقیت‌آمیز بچه‌ها مورد تأیید و تشویق قرار می‌گیرد، نه تنها کمیّت این قبیل رفتارها افزایش می‌یابد و تداوم آن بیشتر می‌شود، بلکه کودکان از احساس خودارزشمندی و اعتماد به نفس افزونتری برخوردار می‌گردند. همین احساس و اعتماد به نفس، خود زمینه‌ساز بروز رفتارهای مطلوب و خوشایند دیگر است.

تشویق بجا و بموقع، ولو بایک نگاه و لبخند، اعتماد به نفس فرد را افزایش داده، انرژی روانی او را بیشتر می‌کند و نیز موجبات شکوفایی خلاقیت‌های ذهنی وی را فراهم می‌آورد.

تشویق و تقویت رفتارهای مطلوب، قدرت یادگیری و سازگاری شخصی و مهارت‌های اجتماعی کودکان را بیشتر می‌کند. بدین ترتیب بخش قابل توجهی از توفیقات دانش‌آموزان در امر تحصیل، مرهون تشویق‌های بجا و بموقع والدین و مربیان است.

تشویق و تقویت رفتار مثبت کودکان سبب شکل‌گیری عادات مطلوب در آنان می‌شود. به عبارت دیگر از آنجا که از طریق رفتارهای تشویق‌آمیز کلامی و غیر کلامی، مادی و معنوی، مستقیم و غیر مستقیم مربی بیش از هرچیز به یک نیاز مهم کودکان یعنی نیاز به محبت، تعلق و توجه، پاسخ داده می‌شود، ما شاهد بیشترین، مؤثرترین و پایدارترین اثر در



بعد با سرمایه‌ای از محبت، احساسی خوشایند و انگیزه‌ای قوی‌تر، تلاش بیشتری از خود نشان دهد.

اولیاء و مربیان باید اطمینان داشته باشند که در اثر تشویق بجا، بموقع و مناسب آنها، هرگز بچه‌ها به اصطلاح "رشوه‌ای" بار نمی‌آیند. وقتی که بچه‌ها در چند نوبت تجربه خوبی از توجه و تشویق شما به خاطر کوشش و تلاشی که از خود نشان می‌دهند داشته باشند، بتدریج در پی توفیقاتی که به دست می‌آورند از آن چنان احساس رضامندی درونی برخوردار می‌شوند که جز تأیید و تشویق کلامی شما، طالب هیچ چیز دیگری نخواهند بود.

تقویت منفی^۲

مراد از تقویت منفی (تشویق غیرمستقیم) آن است که کودک یا بزرگسال، در شرایطی قرار می‌گیرد که برای گریز از نتایج ناخوشایند رفتار نامطلوبش، به اصلاح خویشن می‌پردازد.

در واقع در تقویت منفی، ابتدا مربی یا پدر و مادر خودشان را به ابزار تشویقی مسلح می‌کنند و جاذبه‌های تازه‌ای در محیط کار و زندگی فراهم می‌سازند تا بر اثر چنین تدابیر لازم و مؤثری بچه‌ها رفتارهای نامطلوبشان را اصلاح نمایند.

تقویت منفی، تنبیه نیست، اما تشویقی است غیرمستقیم. در تقویت منفی اولیاء و مربیان برای تلاش بیشتر بچه‌ها، احساس و انگیزه تازه ایجاد می‌کنند. در اثر استفاده مطلوب از روش تقویت منفی، بچه‌ها از حالت بی‌تفاوتی و فقر انگیزشی خارج شده، با احساس و نگرشی تازه کوشش می‌کنند تا رفتار نامطلوبشان را به رفتار مطلوب

می‌گیرد، بچه‌ها بانگرشی مثبت و خوشایند نسبت به معلم و کلاس، با بالاترین انگیزه و اشتیاق تحصیلی تلاش می‌کنند و بیشترین موفقیت‌ها را به دست می‌آورند.

تشویق و تقویت رفتار مطلوب می‌تواند به دو صورت انجام گیرد.

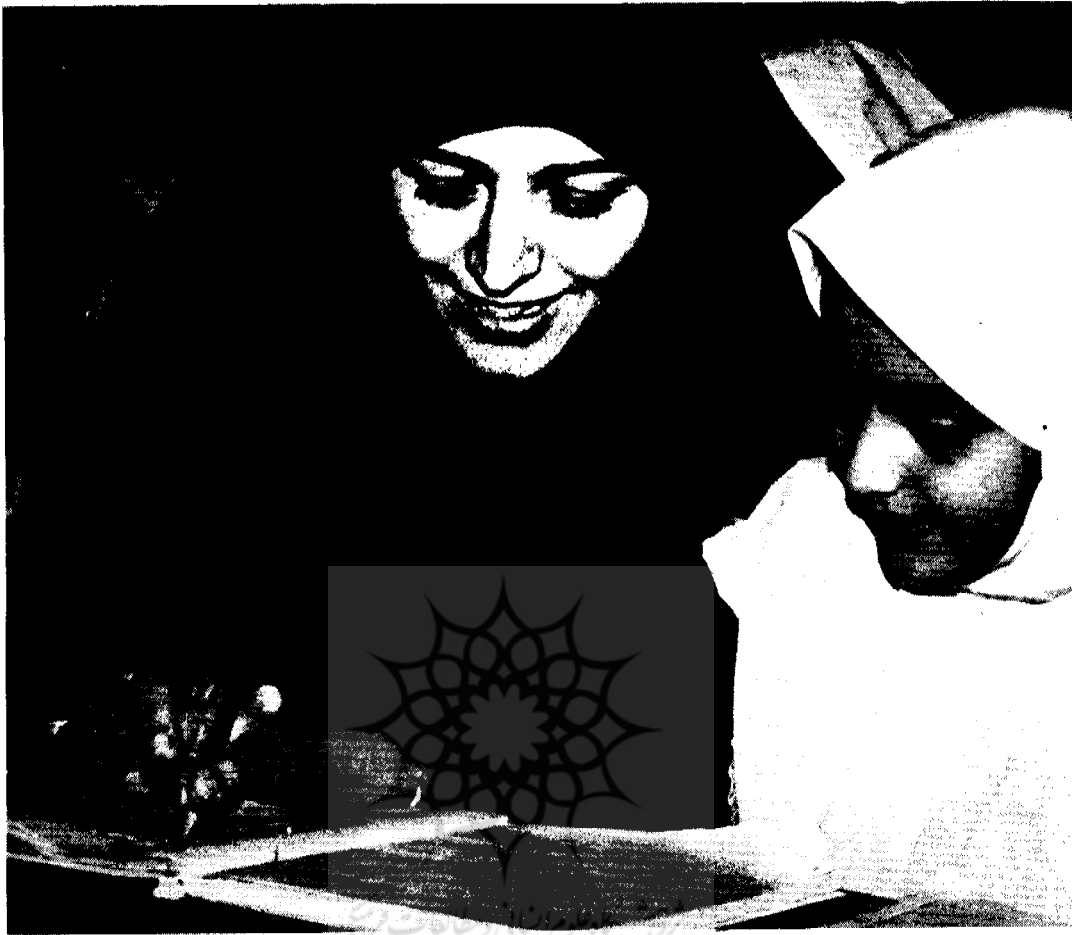
تقویت مثبت^۱

تقویت مثبت زمانی است که مربی بعد از مشاهده اولین رفتار مطلوب از مربی، او را مورد تشویق قرار دهد و با دادن پاداش مناسب (مادی یا معنوی) موجبات تقویت رفتار مطلوب و تکرار و تداوم آن را فراهم سازد.

در این ارتباط نکته قابل توجه این است که تشویق باید بلافاصله پس از وقوع رفتار مطلوب و متناسب با شرایط سنی، ذهنی، اجتماعی و نیازها و گرایشهای روانی مربی صورت پذیرد.

زمانی که کودکی برای اولین بار خود دندانه‌هایش را مسواک می‌زند، لازم است بلافاصله اولیاء او را مورد تشویق قرار دهند و رفتار مطلوب وی (مسواک زدن)، با پاداش مناسب (خریدن یک خمیر دندان ژله‌ای یا مسواک زیبا، و یا آفرین و بارک الله گفتن و...) مورد تقدیر و تحسین و بالطبع تقویت قرار گیرد. هنگامی که دانش‌آموزی با تلاش فوق‌العاده

موفق می‌شود نمره قابل قبولی کسب کند، شایسته است اولیاء و مربیان بدون مقایسه نمره او با نمره دیگران و با در نظر گرفتن اصل مهم تفاوت‌های فردی، بلافاصله او را مورد تشویق قرار دهند و رفتار مثبت وی را (تلاش در درست نوشتن دیکته) تقویت کنند. این کار باعث می‌شود که دانش‌آموز مورد نظر در نوبت



کامل دارند و علت اصلی افت تحصیلی وی را عمدتاً در تلاش کمتر می‌دانند و از سوی دیگر نسبت به ویژگیهای عاطفی و روانی و رغبت‌ها و تمایلات اجتماعی فرزند خود نیز آشنایی خوبی دارند. در ماههای آخر سال، یعنی در ایام امتحانات سه‌ماهه دوم، پدر و مادر این نوجوان با اندیشه و تدبیر قبلی، به فرزندشان می‌گویند: "اگر ان شاء الله امسال در خرداد ماه قبول شوی، تابستان فرصتی خواهیم داشت تا سفری به قسمت‌های شمالی و غربی کشورمان داشته باشیم (چیزی که فرزندشان بسیار دوست

مبدل سازند. خلاصه اینکه در تقویت منفی بچه‌ها انگیزه و معنای تازه‌ای برای تلاش بیشتر می‌یابند. در اینجا با چند مثال به توضیح این روش بسیار مهم و سودمند می‌پردازیم.

در خانواده‌ای نوجوان ۱۴ ساله‌ای است که در کلاس سوم راهنمایی مشغول تحصیل است. پدر و مادر این دانش‌آموز احساس می‌کنند که فرزندشان تا حدودی دچار افت تحصیلی شده و آن گونه که بایسته و شایسته است موفق به کسب نمرات بهتر نمی‌شود. اولیای این دانش‌آموز از توانایی هوشی فرزندشان اطمینان



بنابراین او همه تلاش خود را صرف این می‌کند که در خرداد ماه قبول شود، تا از این فرصتی که پیش می‌آید استفاده نماید. او هر وقت کمی دچار سستی می‌شود با یادآوری نتیجه رفتار نامطلوبش، یعنی از دست دادن سفری فراموش نشدنی، با تلاش و دقت زیاد شروع به درس خواندن می‌کند.

محسن دانش آموز کلاس سوم دبستان است. اولیای محسن احساس می‌کنند که فرزندشان خیلی بازیگوش شده و ممکن است به رغم هوش سرشاری که دارد نتواند در خردادماه قبول شود و یا اینکه با حداقل نمرات، کلاس سوم را به اتمام برساند. آنها نیز تصمیم می‌گیرند برای جلب توجه محسن به درس و تلاش بیشتر او جاذبه تازه‌ای در محیط زندگی و تحصیل وی ایجاد کنند. ایشان خوب می‌دانند که محسن خیلی به دوچرخه علاقه دارد و تهیه

می‌دارد. اما اگر خدای ناکرده تجدید شوی ناگزیر هستیم در تهران بمانیم و توهم به کلاس تجدیدی و تقویتی بروی."

حمید فرزند خانواده نیز از این طرح و برنامه پدر و مادرش بسیار خرسند می‌شود و از همان شب با انگیزه تازه و تلاش بیشتر درس می‌خواند؛ چرا که سفر را دوست دارد. او هر وقت که کمی سست می‌شود، به یاد می‌آورد که تابستان است و محروم از سفر و بیافاصله دوباره درس می‌خواند تا خرداد ماه قبول شود و همراه خانواده به سفر دور ایران برود.

در این مورد اولاً پدر و مادر حمید در فضای خانواده و محیط زندگی فرزندشان جاذبه و انگیزه جدیدی ایجاد کرده و قولی داده‌اند که هم انجامش برای ایشان مقدور است و هم وصولش برای حمید جاذب.

حمید تا پایان امتحانات ثلث سوم چه بسا بارها حتی خواب چنین سفری رامی‌بیند.

نامطلوبش به اصلاح خویشتن پرداخته، با جدیت درس می خواند.

معلم کلاس چهارم دبستان متوجه می شود که میانگین نمرات دیکته بچه ها رضایت بخش نیست، لذا او نیز تصمیم می گیرد با استفاده از روش تقویت منفی، در بچه ها تلاش بیشتری ایجاد کند. معلم با فکر واندیشه حساب شده، صبح روز چهارشنبه به بچه های کلاس می گوید که لازم است برای روز چهارشنبه آینده، از درس هفتم تا هفدهم، ۵ مرتبه بنویسند. به عبارت دیگر معلم بچه ها را در موقعیت ناخوشایندی قرار می دهد و در واقع حدود پنجاه صفحه مشق و تکلیف از آنان طلب می کند. طبیعی است که بیشتر بچه ها نیز ناخشنودی خود را به صور مختلف ابراز می کنند. اما معلم بدون توجه به احساس و تلقی بچه ها، بلافاصله می گوید: "علت تعیین تکلیف

یک دوچرخه کوچک هم برای خانواده مقدور است. لذا تصمیم می گیرند که به او بگویند اگر در خرداد ماه، حداقل با معدل ۱۶ قبول شود، برایش دوچرخه خواهند خرید تا در تابستان از آن استفاده کند. البته کسب معدل ۱۶ نیز با توجه به توان و ظرفیت هوشی محسن، انتظاری غیر واقعی نیست؛ زیرا انتظار غیر واقعی، اضطراب بچه ها را افزایش داده، آنان را با فشار روانی و بی قراری عاطفی مواجه می سازد.

در این مورد نیز از همان زمان که چنین پیشنهادی از طرف والدین محسن مطرح می شود، وی با جاذبه تازه و انگیزه بیشتری به درس و مشق می پردازد؛ بطوری که در خرداد ماه با معدل ۱۸/۵ قبول می شود، چرا که او هروقت دچار سستی و کم کاری می شد (رفتار نامطلوب)، به یاد نتیجه ناخوشایند چنین رفتاری می افتاد (از دست دادن دوچرخه) و بالطبع برای گریز از عواقب ناخوشایند رفتار



باشد برای بچه‌ها خوشایند نیست، چراکه تکلیف است!!) تلاش می‌کنند درسهای هفتم تا هفدهم را خوب یاد بگیرند تا با کسب نمره بالاتر از ۱۵، رفتار نامطلوب خودشان (سستی و تنبلی) را اصلاح نموده، تکلیف تعیین شده را از دوش خود بردارند.

خلاصه آنکه تشویق و تقویت رفتار مطلوب بچه‌ها، مؤثرترین عامل در یادگیری و اصلاح رفتار است. پس شایسته آن است که اولیای معهد و مربیان دلسوز در هر شرایطی خودشان را به ابزارهای تشویقی مسلح کنند.

بیا باید یاد بگیریم به جای بدبینیها، انتقادهای مخرب، تهدیدها و تنبیه‌ها همواره نقاط مثبت افراد را مدنظر قرار دهیم و مشوق آنان باشیم. چه بسا در سایه توجه به شخصیت و رفتار مثبت دیگران و تشویق رفتارهای مطلوب آنها، موجبات اصلاح رفتارهای نامطلوب یا سازش ناپافته ایشان نیز فراهم می‌شود.

یادمان باشد که تنبیه، گراترین و درعین حال کم اثرترین وسیله یادگیری و اصلاح رفتار است. پاورقیها:

- 1 - POSITIVE REINFORCEMENT
- 2 - NEGATIVE REINFORCEMENT

بیا باید یاد بگیریم به جای بدبینی‌ها،

انتقادهای مخرب، تهدیدها و تنبیه‌ها،

همواره نقاط مثبت شخصیت افراد را

مد نظر قرار دهیم و مشوق آنان

باشیم.

زیاد این است که در مجموع از نمرات شما در درس دیکته رضایت ندارم. شاید با نوشتن این مشق‌ها وضع دیکته‌هایتان بهتر شود. در ضمن روز شنبه (سه روز قبل از چهارشنبه، موعد ارائه تکالیف تعیین شده) از درسهای هفتم تا هفدهم یک دیکته می‌گویم. هر کس نمره‌ای بالاتر از ۱۵ بیاورد، از نوشتن مشق‌هایی که تعیین کرده‌ام، معاف خواهد بود."

به دنبال این پیشنهاد معلم، بالطبع همه بچه‌ها تلاش می‌کنند که درسهای هفتم تا هفدهم را خوب یاد بگیرند تا نمره‌ای بالاتر از ۱۵ در دیکته روز شنبه کسب نمایند و نتیجتاً از نوشتن مشق‌های زیاد خلاص شوند.

در اینجا هم معلم می‌توانست برای ایجاد انگیزه تلاش در بچه‌ها به چند صورت عمل کند، از جمله: تعیین پاداش برای نمرات بالاتر از ۱۵، تعیین جریمه برای نمرات پایین‌تر از ۱۵ و... اما معلم همواره نمی‌تواند به نمرات بالاتر از ۱۵ بچه‌های کلاس پاداش مادی بدهد، الا تشویق شفاهی، و بعضاً تشویق‌های مستقیم و شفاهی ممکن است انگیزه لازم را در بچه‌ها به وجود بیاورد. تعیین جریمه یا تنبیه هم برای نمرات کمتر از ۱۵ مشکلی را حل نمی‌کند، زیرا بچه‌ها دچار اضطراب و احتمالاً خطای ادراک می‌شوند. پس یکی از بهترین روشها، همین روش تقویت منفی است. در این شیوه معلم ضمن اینکه در بچه‌ها انگیزه تلاش ایجاد می‌کند، ولی ایشان را مستقیماً مورد تهدید قرار نمی‌دهد؛ یعنی اگر دانش‌آموزی نمره‌ای کمتر از ۱۵ کسب کند، بطور طبیعی مشق‌های تعیین شده را خواهد نوشت. در هر حال بچه‌های کلاس برای گریز از یک موقعیت ناخوشایند، یعنی مشق نویسی (که عمدتاً هر قدر هم کم